

The Methodology for Studying the History of Ideas in Mahdism¹

Ali Mohammadi Hoshyar¹ 

1. Level-Four Graduate, Jurisprudence and Its Principles, Seminary of Qom, Qom, Iran.

Email: al.mohammadi@isca.ac.ir




Abstract

Ideas and assumptions within Mahdism, which shape how individuals relate to Mahdism, need to be examined for their validity. This examination aims to distinguish accurate beliefs from inaccurate ones by comparing them with facts and explaining realities. The study of Mahdist ideas can be categorized into three main areas: (1) the alignment of ideas with facts and reality, (2) the potential for historical truth, and (3) the examination of consequences and interpretations. To address these areas, a specific methodology is required to separate the conceptual from the doctrinal. This methodology consists of six stages: notion identification, source collection, source evaluation, textual analysis, content analysis, and consequence study. These stages provide a comprehensive model for studying the history of ideas in Mahdism. By applying this method, one can investigate all propositions related to Mahdism to uncover not only the origins of ideas but also their social influences and potential repercussions. This research uses a meta-synthesis approach to address notions, mindsets, and their consequences.

Keywords

Methodology, history, notion, Mahdism.

1. **Cite this article:** Mohammadi Hoshyar, Ali. (2024). The Methodology for Studying the History of Ideas in Mahdism. *Naqd va Nazar*, 29(113), pp. 91-115. <https://doi.org/10.22081/JPT.2024.68863.2118>

 **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran) ***Type of article:** research.

 **Received:** 17/04/2024  **Revised:** 15/06/2024  **Accepted:** 15/06/2024  **Published online:** 01/10/2024

© The Authors



۹۱



نظر
صدر

روش‌شناسی مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت

روش‌شناسی مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت^۱

علی محمدی هوشیار^۱ 

۱. دانش آموخته سطح چهار، فقه و اصول حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Email: al.mohammadi@isca.ac.ir



چکیده

پندارها و پنداشت‌ها در فضای مهدویت، که راقم مناسبات اجتماعی منتظر با مقوله مهدویت است، به وضعیت‌سنجی نیاز دارد. این وضعیت‌سنجی با هدف تمییز باور صحیح از باورهای ناصحیح انجام می‌شود که در دو قالب تطبیق با واقع و تبیین حقایق، امکان بررسی دارد. پندارها یا انگاره‌ها در مهدویت توانایی آن را دارند تا در سه محور اساسی مورد مطالعه قرار گیرند: ۱. مطابقت انگاره با واقع و حقیقت؛ ۲. احتمال القای حقیقت در تاریخ؛ ۳. پیامدسنجی و برداشت‌ها. مطالعه این سه محور نیازمند روش متمایزی است تا انگارگی موضوع مورد نظر را از قطعیت آموزه تشخیص دهد. این روش در شش مرحله انگاره‌یابی، جمع‌آوری منابع، ارزیابی منابع، ارزیابی متن، تحلیل محتوا و پیامدسنجی انجام می‌شود و مجموع مراحل ششگانه در مقام پاسخ به چگونگی مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت و به عنوان الگویی جامع برای مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت معرفی شده‌اند. با استفاده از روش مطالعه تاریخ انگاره‌ها، همه گزاره‌های یک انگاره در مهدویت مطالعه می‌شود تا افزون بر کشف مبدأ پیدایش انگاره، تأثیر یافتگی آن از شرایط و نیروهای اجتماعی و نیز پیامدهای تهدیدگون آن بررسی گردد. این پژوهش با روش فراترکیب، به بررسی انگاره‌ها، ذهنیات، رویکردها و پیامدها پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

روش‌شناسی، تاریخ، انگاره، مهدویت.

۱. **استاد به این مقاله:** محمدی هوشیار، علی. (۱۴۰۳). روش‌شناسی مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت. فصلنامه علمی - پژوهشی نقد و نظر، ۲۹(۱۱۳)، صص ۹۱-۱۱۵.

<https://doi.org/10.22081/JPT.2024.68863.2118>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰



انگاره به معنای هر چیز ناتمام (نک: دهخدا، ۱۳۸۵) و بدون پشتوانهٔ عقلی و نقلی است که گاهی به صورت یک باور صحیح و رایج در میان مردم منتشر شده است و حتی از آن به مسلمات و مشهورات نیز یاد می‌شود. این مقوله در ابعاد گوناگونی از زندگی دینی مردم قابل مشاهده است و در برخی موارد تا جایی پیش می‌رود که خرافات نیز در مقام باور اصلی و قطعی اسلام پذیرفته و تبلیغ می‌شود و افزون بر آن، مخالفت با چنین باورهایی انحراف تلقی می‌گردد.

از جمله موضوعاتی که از آسیب‌انگاره‌ها و مشهورات بی‌اعتبار در امان نمانده است و نیاز به شناسایی و مطالعه دارد، باورهای مهدویت است که زمینه‌ای برای انحراف یا برداشت‌های خطاگون در مهدویت شده است. انگاره‌هایی، مانند استغاثهٔ جمعی برای طلب ظهور یا بیابان‌گردی و تحسُّس^۱ دسته جمعی از امام مهدی (عج) و مواردی مشابه آن است که در سال‌های اخیر توجه برخی ناقدان و متخصصان را به خود جلب کرده است؛ از این رو چگونگی مطالعهٔ تاریخ انگاره‌ها در مهدویت، پرسش اصلی این پژوهش است و در ذیل آن نیز می‌توان به پرسش‌های دیگری اندیشید و در پی پاسخ آن بود؛ اینکه انگاره‌ها در مهدویت چگونه شکل یافته و یا پیدایش آن معلول کدام یک از عوامل معرفتی یا تاریخی و مانند آن بوده است. با وجود این، به شناخت محل و جایگاه پیدایش انگاره‌ها و عوامل پیشران در فرایند تطور و تحول آن از حیث فردی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در مهدویت نیاز است؛ بنابراین باید در پی روشی برای مطالعه این مقوله در سه محور اساسی بود: ۱. مطابقت انگاره با واقع و حقیقت؛ ۲. احتمال القای حقیقت در تاریخ؛ ۳. پیامدسنجی و برداشت‌ها. توضیح این سه محور این گونه است:

• اصالت‌سنجی: محور اول می‌تواند با جستجوی پشتوانه‌های روایی انگاره شروع

۱. در «تحسُّس» انسان از خبر مورد نظر چیزی می‌داند و پی‌جویی می‌کند تا از طریق حسی اطلاعات جدیدی کسب کند؛ اما در «تجسس» فرد چیزی از خبر نمی‌داند و از راه غیر حسی که همان گمان و ظن است جستجو می‌کند تا اخباری را کسب نماید (قاسم‌نژاد و نصیری، ۱۳۹۹، ص ۲۶).





شود و با روش‌های حدیث‌پژوهانه اعتبارسنجی گردد.

- اعتبارسنجی: در محور دوم باید در پی ساختارهای القای حقیقت در تاریخ رفت و افزون بر آن، زمان و مکان پیدایش اولیهٔ انگارهٔ مورد نظر را کشف کرد.
- صحت‌سنجی: محور سوم عهده‌دار پیامدسنجی‌های دانشی و روشی انگاره است و آثار وضعی آن را شناسایی خواهد کرد تا افزون بر کشف بی‌اصالتی در محور اول و کشف بی‌اعتباری در محور دوم، ناکارآمدی یا جنبهٔ تهدیدی یا نداشتن صحت انگاره را کشف کند تا پاسخ مناسبی برای آن دسته از افراد که معمولاً می‌گویند: فرض بر اینکه چنین چیزی در روایات نیست، اشکال عقلی چنین فعل و رفتاری چیست، به دست آید.

به عبارت دیگر، این نوشتار در پی آن است که بررسی کند آیا آنچه در طول تاریخ مهدویت حقیقت می‌دانستند، درست است یا نه و نیز در پی آن است تا افزون بر کشف منشأ پیدایش آن، ساختارهای القای حقیقت را بیابد و آنچه از انگارهٔ مورد نظر متأثر شده است با بررسی جنبه‌های تهدیدی آن اعلان کند. البته این نوع از مطالعه صرفاً یک پیشینه‌پژوهی نیست؛ بلکه روشی برای فهم منشأ و مناسبات آن است که خود نیز در روش‌های گوناگونی امکان مطالعه دارد.

۱. روش مطالعهٔ انگاره‌ها در مهدویت

همان‌طور که گفته شد، برای مطالعهٔ تاریخ انگاره‌ها، سه محور مهم و اساسی پیش‌روی پژوهشگر است: ۱. مطابقت انگاره با واقع و حقیقت؛ ۲. احتمال القای حقیقت در تاریخ؛ ۳. پیامدسنجی و برداشت‌ها. مطالعه و فهم این سه محور باید مبتنی بر روشی باشد که «اصالت یا عدم اصالت، اعتبار یا عدم اعتبار، و صحت یا عدم صحت» انگاره را به طور مشخص اعلام کند. روش مورد نظر برای مطالعهٔ این سه محور دربارهٔ هر انگاره‌ای در مهدویت:

۱-۱. انگاره‌یابی

اولین گام انتخاب موضوعی به مثابهٔ یک محتمل در انگاره‌بودن است. عموماً

انگاره‌ها در قالب سخنانی ناسازگار با عقل، ناهمگون با روح شریعت، غیرمطابق با دستگاه کلامی شیعه، مخالف با مصالح عمومی جامعه مسلمان و مانند آن ظاهر می‌شود و گاهی به دلیل قدمت و شهرت به باوری تبدیل شده است که در ظاهر خود، هیچ کدام از ناهمسویی‌ها با دین را ندارد. البته در نگاه اول، در مقام صدور حکم نیست و به صرف یک احتمال مبنی بر اینکه مفهوم مورد نظر سخنی ناتمام و یک انگاره است، بررسی می‌شود و در این مرحله، حساسیت ویژه‌ای در انتخاب موضوع نیست؛ برای مثال برخی تفاسیر رایج درباره مفهوم انتظار، مانند عدم جواز تحرکات اجتماعی و دخالت در امور سیاسی و حکومتی در دوران غیبت می‌تواند به مثابه یک انگاره، موضوع مورد مطالعه ما باشد تا با استفاده از روش مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت، منشأ این تفسیر و عوامل پدیدآورنده آن و نتایج و آثار دانشی آن را مورد مطالعه قرار دهیم (نک: انجمن حجتیه، ۱۳۳۲). این موضوع بدین جهت می‌تواند به مثابه یک انگاره مورد مطالعه قرار گیرد که مخالف اصل ظلم‌ستیزی و مخالف عقل معاش انسان است و افزون بر آن، انسان را به موجودی غیرمختار در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی تبدیل می‌کند.

۲-۱. جمع‌آوری منابع

در این مرحله، جمع‌آوری منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی دارای اهمیت است. این منابع می‌تواند شامل روایات، نوشتارها، سندهای تاریخی، روزنامه‌ها و دیگر منابع مرتبط با دوره مورد بررسی باشد. در این مرحله باید هر آنچه توانایی کامل کردن پروژه مطالعه را دارد جمع‌آوری شود تا داده‌ها به طور کامل جمع‌گردد و در مراحل بعدی استفاده شود. در جمع‌آوری منابع، توجه به منابع متقدم از ارزش بیشتری برخوردار است؛ اما از آنجا که مطالعه ما صرفاً منحصر در منشأ پیدایش و اصالت‌سنجی انگاره نیست، منابع میانی و متأخر نیز برای تکمیل مطالعه محورهای دوم و سوم نیاز است. در جمع‌آوری منابع مرتبط با موضوع مورد نظر باید به متن و زمینه^۱ توأمان توجه داشت و

۱. نکست و کانتکست.





جستجوی ما منحصر به یکی از این دو نباشد؛ زیرا گاهی ممکن است در متن تصریحی به مفهوم مورد نظر نشود و واژگان صراحت در معرفی نداشته باشند؛ اما فضای کلی منبع مورد نظر، گویای موضوع مورد نظر باشد؛ بنابراین موضوع مورد نظر را به صورت دختواره باید ترسیم کرد و همه شاخه‌های مرتبط با آن را بررسی کرد تا مطالب متناظر بر موضوع مطالعه را کشف و تجمیع نمود.

گاهی مطالعه متوقف می‌شود و به ادامه نیازی نیست؛ زیرا موضوع مورد نظر که شیوع اجتماعی یافته است، در هیچ منبعی یافته نشده است؛ برای مثال سخن متناسب به امیرالمومنین علیه السلام که خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک، اگر شب هنگام کسی را در حال گناه دیدی، فردا به آن چشم نگاهش مکن؛ شاید سحر توبه کرده باشد و تو ندانی». این متن در هیچ کدام از منابع وجود ندارد و چنانچه مفهوم کلی آن به مثابه یک انگاره مورد مطالعه ما باشد، در این صورت به طور کلی کنار گذاشته می‌شود.

۳-۱. ارزیابی منابع

بررسی و ارزیابی منابع جمع‌آوری شده، اولین گام در تعیین اعتبار محتوای مندرج در آن منابع، دارای اهمیت است؛ از این رو چنانچه منابع جمع‌آوری شده از اعتبار لازم برخوردار نباشند، ظن پژوهشگر به بی‌اصالتی موضوع را تقویت خواهد کرد. مرحله ارزیابی منابع: ۱. بررسی اصالت اثر؛ ۲. بررسی باورها و انگیزه نگارنده؛ ۳. بررسی مناسبت‌های تألیف و نگارش با شرایط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه؛ ۴- ارزیابی تأثیرگذاری منبع در محدوده زمانی خود و منابع پس از آن که هر کدام به اجمال توضیح داده می‌شود.

۱-۳-۱. بررسی اصالت اثر

اصالت^۱ جنبه‌ای است برای آثار خلق شده یا ابداع شده به مثابه اثر جدید یا بدیع قابل

1. Originality

تشخیص. اصالت دارای دو معنی اساسی است: ۱. به وثیقه یا به عملی گفته می‌شود که حقاً از صاحب خود صادر شده باشد. اصالت به این معنی در مقابل مجعول قرار دارد؛ چنانچه می‌گویند: این نسخه کتاب اصیل یا اصلی است؛ مقصود این است که این نسخه به دست نویسنده کتاب تألیف شده است. البته چنین نیست که هر خبر دست اولی صادق باشد. ۲. به صدق وثیقه‌ای گفته می‌شود که نویسنده عادل آن را نوشته باشد (نک: صلیبا و صانعی، ۱۳۶۶). اصطلاح نقد اصالت در علم تاریخ نیز به نظریه مورخ در مورد اسناد و اخبار گفته می‌شود که آیا این اسناد و اخبار صحیح یا فریب یا جعلی است؛ برای نمونه اگر رد پایی از موضوع پژوهش ما در کتاب اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله نوشته سلیم بن قیس هلالی باشد، اولین کار ما بررسی اصالت این اثر خواهد بود تا انتساب این کتاب به نویسنده مذکور و همچنین صحت متن و دورباشی آن از تحریف مطالعه شود. اصالت و عدم اصالت اثر در اصالت و عدم اصالت موضوع مورد بررسی نقش تعیین کننده دارد و چنانچه موضوع مورد بررسی ما در آثاری باشد که در مرحله ارزیابی نشان اصالت را دریافت نکرده باشد، گامی به انگارگی و صدور حکم بی‌اصالتی موضوع نزدیک تر خواهد شد.

۱-۳-۲. بررسی باورها و انگیزه نگارنده

باور و انگیزه تألیف یک اثر، از جمله مباحث پدیده‌ای است که در فهم متن دارای اهمیت است. گاهی تجمیع و تنظیم چینش روایات یک اثر حدیثی، متأثر از باور و اندیشه یک نویسنده بوده است و تلاش می‌کند مخاطب را از ابتدا تا انتها با باور خود همراه کند؛ از این رو دانستن باورها و اعتقادات صاحب اثر، پژوهشگر را یاری می‌کند تا در دام و تاکتیک صاحب اثر نیفتد و اثر را از نگاه بیرونی مطالعه کند؛ برای نمونه می‌توان درباره آثار حدیثی قاضی نعمان مغربی سخن به میان آورد که با توجه به اعتقادات خود، سازمان و ساختار کتابی، همچون شرح الاخبار را مبتنی بر تبیین و تثبیت جایگاه اسماعیلیه تنظیم کرده است؛ همچنین گاهی انگیزه صاحب اثر را که به دلیل





اهداف سیاسی اقدام به مفهوم‌سازی می‌کند باید مورد مطالعه قرار داد؛ برای نمونه می‌توان به کتاب هندسه عدالت نوشته منصور هاشمی خراسانی اشاره کرد که برای رویارویی با باور زمینه‌ساز بودن انقلاب اسلامی، اتصال رهبر زمینه‌سازان به امام زمان عجل الله فرجه را شرط اصلی دانسته و با ادعای اینکه خود دارای مأموریتی ویژه برای زمینه‌سازی است، حکومت ولایت فقیه را نامشروع تلقی کرده و وظیفه زمینه‌سازی را منحصر به خود نموده است (نک: هاشمی خراسانی، ۱۳۹۷).

۱-۳-۳. بررسی مناسبت‌های اجتماعی صاحب اثر

بررسی مناسبت‌های اثر و صاحب اثر با شرایط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه، یکی از نکات مهم در ارزیابی منابع است. گاهی ممکن است نام یا ساختار یا حتی محتوای یک اثر در معادلات اجتماعی رنگ باخته باشد و ناگزیر، از شرایط پیش آمده پیروی کند. با این حال، نویسنده برای رعایت مصالح عامه و برای آنکه از صدمات حاکمان در امان باشد، کتابی را به سفارش پادشاه وقت می‌نوشت و به او هدیه می‌داد و در مقدمه کتاب نیز از جلالت و عظمت آن پادشاه تعریف و تمجید می‌نمود، مانند کتاب فقهی لوامع صاحبقرانی تألیف علامه محمدتقی مجلسی است که به نام شاه‌عباس صفوی ملقب به صاحبقران نوشته و به او هدیه داده است. در بخشی از مقدمه این کتاب و در وصف شاه‌عباس صفوی آورده است: «کافه اهل این دیار در ظلّ ظلیل رأفت و عدالت و حصن حصین شوکت و بسالت شهریار عادل کامل باذل، گردون بارگاه ملایک سپاه، جمشید حشمت، فریدون سیرت، سکندر شأن، دارا دربان گلدسته گلستان مصطفوی، نوباوه بوستان مرتضوی، ثمره شجره نبوت و رسالت، غصن دوحه امامت و ولایت، ابر فیاض سخا بحر مواج عطا مهر سپهر گیتی ستانی، مرکز دایره جهان بانی رافع لوای دین و دولت، مؤسس اساس ملک و ملت قطب فلک اقتدار مرکز آسمان عدالت و وقار محیی مراسم ملت و دین، مروج مذهب ائمه طاهرین در اطاعت شریعت غرای مصطفوی از عالمیان ممتاز و به سعادت برافراشتن

لوای والای طریقت مرتضوی سر افراز، أعني السلطان الأعظم و الخاقان الأفخم مالك رقاب العرب و العجم سمى جده، الأمير الاعدل الاكرم محرز ممالك الدنيا مظهر كلمات الله العليا باسط بساط الامن و الامان رافع رايات العدل و الاحسان السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابو المظفر ابو المكارم و المفاخر شاه عباس الحسينى الموسوى الصفوى صاحبقران بهادرخان» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸). اکنون باید دید که آیا مجلسی اول و دوم به صرف مقدمه‌های تمجیدی از شاهان صفوی بسنده کرده یا اینکه در متن نیز به چنین مواردی پرداخته و حتی در تطبیق روایات به دولت صفوی هم تمایل یافته‌اند یا نه. در این باره می‌توان به سخن مجلسی دوم اشاره کرد که پس از نقل حدیثی از امام باقر علیه السلام دولت صفویه را در قرب ظهور دانسته و آنان را در مقام زمینه‌ساز و متصل به ظهور تلقی کرده است: «بعید نیست که این روایت، اشاره به صفویان باشد که خداوند پایه‌های آن را محکم کند و آن را به دولت قائم علیه السلام وصل کند»^۱.

این نوع از مقدمه و تطبیق روایت با دولت صفویه - ولو به صورت احتمالی - به روشنی نمایانگر مناسبات اجتماعی مجلسی اول و دوم بوده است و چنانچه سخنی درباره موضوع مورد مطالعه انگاره، در آثار این دو عالم بزرگوار یافته شود - مانند تحولات سیاسی یا مقوله زمینه‌ساز بودن حاکمان و ... - باید به آن توجه گردد.

۱-۳-۴. بررسی جایگاه منبع در تاریخ تألیف

بررسی این مهم که اثر مورد نظر در تاریخ تألیف و حیات مؤلف، از چه جایگاهی

۱. «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَيَا ذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَصَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَنَالَهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ». بیان: لا یبعد أن یكون إشارة إلى الدولة الصفویة شیدها الله تعالی و وصلها بدولة القائم علیه السلام (مجلسی، ۱۳۶۱، ج ۵۲، ص ۲۴۳).





برخوردار بوده و دیدگاه علمای معاصر آن نسبت به آن چه بوده است نیز بسیار بااهمیت است. گاهی این مسئله می‌تواند گویای اختلاف‌ها و دیدگاه‌های مختلف علمای آن زمان دربارهٔ موضوع مورد مطالعه باشد و از قبل جمع‌بندی آرا مختلف، گفتمان حاکم در آن بازهٔ زمانی را به دست آورد. از سویی تأثیر اجتماعی منبع مورد ارزیابی در آن محدودهٔ زمانی و نیز تأثیر آن بر آثار پس از آن نیز دارای اهمیت است؛ زیرا در جریان‌یابی انگاره و سیر تطور آن مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت؛ برای نمونه می‌توان به کتاب کافی اشاره کرد که در تاریخ نگارش و انتشار این اثر، مورد توجه علمای شیعه قرار گرفت و از آن به نیکی یاد کردند. شیخ مفید که از معاصران کلینی است، دربارهٔ کتاب کافی می‌نویسد: «کتاب الکافی و هو من أجل کتب الشیعة و أكثرها فائدة؛ کتاب کافی از برترین کتاب‌های شیعه و پرفایده‌ترین آنهاست» (مفید، ۱۳۷۱ «الف»، ص ۷۰) و از سوی دیگر، عموم منابع روایی شیعه متأثر از این کتاب بوده است و نگارندگان آنها افزون بر نقل روایت از آن، چیش برخی ابواب کتاب خود را نیز برگرفته از آن تنظیم کرده‌اند.

۴-۱. ارزیابی متن

تا اینجا انگاره‌یابی، جمع‌آوری منابع مرتبط با انگاره و ارزیابی منابع مورد نظر انجام شد و اکنون نوبت آن رسیده است تا متون مندرج در منابع بررسی شود. البته تا این مرحله، تفاوتی در اصالت یا عدم اصالت منبع متن نیست و متن مورد نظر در هر صورت می‌تواند ادامه مسیر دهد. تنها اتفاقی که با عدم احراز اصالت منبع متن می‌افتد این است منبع مزبور را که راوی موضوع مورد مطالعه است، فاقد اصالت ارزیابی می‌کنیم. در این مرحله، به سراغ اولین محور مطالعه یعنی مطابقت انگاره با واقع و حقیقت می‌رویم و چنانچه متن مورد نظر، روایتی از معصومین علیهم‌السلام و نقل قولی از علمای اسلام باشد، به شیوهٔ ذیل بررسی قرار می‌کنیم:

۱-۴-۱. بررسی روایات

در روند مطالعه تاریخ انگاره، اگر با روایاتی روبه‌رو شدیم که به صورت صریح یا به طور غیرمستقیم به موضوع مورد مطالعه اشاره دارد، آن را مورد بررسی حدیثی قرار خواهیم داد. این بررسی دربردارنده مراحل مختلفی است که در علم حدیث به آن پرداخته شده است و در این مجال به اختصار تبیین می‌شود.

الف. بررسی متن: بررسی متن این پیام را منتقل خواهد کرد که متن روایت مورد

نظر صحیح است یا نیست. این بررسی در سه مرحله انجام خواهد شد:

مرحله اول: عرضه روایت به قرآن کریم، اولین و مهم‌ترین گامی است که در بررسی یک روایت باید انجام داد و چنانچه متن یا مراد روایت، برخلاف فرموده قرآن کریم باشد، کنار گذاشته می‌شود و به آن روایت اعتنا و اعتمادی نمی‌شود. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم بدانید! آنچه از سوی من به دست شما برسد و موافق کتاب خدا باشد، آن را من گفته‌ام و آنچه که به دست شما برسد و مخالف کتاب خدا باشد، من آن را نگفته‌ام» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۶۹).

مرحله دوم: عرضه روایت به احادیث معصومین پیشین نیز می‌تواند به عنوان دومین گام در بررسی حدیثی باشد؛ به این معنا که اگر روایتی از امام صادق علیه السلام به دستمان رسید و محتوای آن در عرضه به قرآن بی‌نتیجه ماند و مابازاء نیافت، در آن صورت به سراغ روایات معصومین پیش از ایشان خواهیم رفت تا این روایت را با روایات معتبری که از سوی ایشان صادر شده است تطبیق دهیم. چنانچه مخالف روایات ایشان بود، کنار گذاشته می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ حدیثی را از ما نپذیرید؛ مگر آنکه موافق قرآن و سنت باشد یا برای آن از احادیث پیشین ما شاهی بیابید» (کشی، ۱۳۶۷، ص ۲۲۴).

مرحله سوم: اگر بررسی روایت در مرحله اول و دوم بی‌نتیجه ماند، به این معناست که برای این روایت شاهی از قرآن و سنت یافته نشده است. در این صورت به سراغ





روایات اهل سنت رفته و چنانچه آن را موافق روایت آنان دیدیم، در آن صورت این روایت را به طور کلی کنار خواهیم گذاشت؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «هر حدیثی که حکم آن مخالف کتاب و سنت یا موافق عامه باشد، ترک شود» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳۰۲). این سخن بدین معناست که روایت، از سه جهت کنار گذاشته می‌شود که در سه مرحله به آن اشاره شد.

ب. بررسی سند: بررسی سند حدیث این پیام را منتقل خواهد کرد که در صورت ناصحیح بودن متن، آیا متن روایت، جعل راوی است یا محصول فهم یا ثبت اشتباه روایت است. محدثان متأخر شیعه حدیث را به چهار قسم «صحیح، حسن، موثق، ضعیف» دسته‌بندی کرده‌اند که شرح آن در کتاب‌های رجالی به تفصیل آمده است (نک: قزوینی، ۱۳۸۴).

اگر روایت به دست آمده درباره موضوع انگاره، امتیازات لازم را در مرحله بررسی حدیثی به دست نیآورد - چنانچه آن موضوع جزو امور توقیفی^۱ باشد - کنار گذاشته می‌شود؛ زیرا با واقع و حقیقت مطابقت ندارد؛ برای نمونه می‌توان به روایت «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَةً»^۲ اشاره کرد که به مسئله زمینه‌سازی اشاره کرده است.^۳ صحت این روایت، در فرایند بررسی متنی و سندی محرز محرز نشده است و امکان استناد به آن نیست. این روایت در منابع شیعی نیامده است تا اینکه برای اولین بار از طریق کتاب کشف الغمه اربلی (م/۶۹۲ق) به نقل از کتاب الاربعون حدیثاً فی المهدی نوشته ابونعیم اصفهانی (م/۴۳۰ق) به منابع روایی شیعه وارد شد (نک: سلیمان، ۱۳۹۷).

۱. هر حکم یا موضوعی که عقل بدان راه ندارد و منوط به بیان شارع مقدس است توقیفی نامیده می‌شود. آنچه توقیفی است نیاز به بیان شارع دارد و در موارد عدم دسترسی به نص، باید از آن فحص کرد و اظهار نظر بدون وجود نص عام یا خاص از سوی شارع جایز نیست (کرکی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۳۵).
۲. مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می‌آورند (ابن حنبل، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۹۹).
۳. تذکر: مقوله زمینه سازی برای ظهور و نظائر آن مانند علائم ظهور، جزو امور توقیفی می‌باشند.

۱-۴-۲. بررسی نقل قول

در بررسی نقل قول‌ها، به چند شاخص مهم باید توجه کرد که به اختصار اشاره می‌شود: ۱. بررسی صاحب قول؛ ۲. بررسی راوی قول؛ ۳. بررسی منبع نقل قول - که در مرحله پیشین انجام شده است -؛ ۴. بررسی متن و پیام قول. مجموع این بررسی‌ها به عنوان شرط کافی در روند مطالعه تاریخ‌نگاره مؤثر خواهد بود.

۲. تحلیل محتوا

مطالعه و تحلیل محتوای منابع، در پی کشف شاخص‌ها و نشانه‌هایی است که تغییرات یا انحرافات را در وضع یا تفسیر موضوع نشان می‌دهند. آنچه در تحلیل محتوای منابع در فرایند مطالعه تاریخ‌نگاره‌ها صورت می‌پذیرد، ترسیم دقیق منحنی پیدایش و تغییر موضوع و تفسیر آن است. تحلیل محتوا روشی است که با هدف دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و انگیزه‌ها و اندیشه‌های صادرکننده پیام، علل صدور پیام و آثار پیام، برای تجزیه و تحلیلی عینی و منظم پیام‌های مختلف که از راه‌های گوناگون مبادله می‌شوند به کار می‌رود. این پیام‌ها ممکن است به اشکال و راه‌های مختلفی صادر شوند، از جمله کتاب، مقاله، دست‌نوشته، سخنرانی، مصاحبه، فیلم، صوت، عکس و پوستر، نامه و پرسشنامه و هرگونه پیام دیگری که بتوان به روش‌های خواندن، شنیدن و دیدن و یا حواس دیگر دریافت کرد (عزتی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۰). عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا مطالعه اطلاعات با هدف پاسخ به این پرسش‌ها که چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ با چه تأثیری؟ است (کیوی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲).

تحلیل محتوا دارای طبقه‌بندی‌های گوناگونی است؛ اما آنچه مورد نظر این پژوهش است، طبقه‌بندی بر مبنای روش‌های کمی و کیفی است. بر این اساس، به دو روش تحلیل محتوای مبتنی بر کمیت (آشکار) و تحلیل محتوای مبتنی بر ارزش‌گذاری و کیفیت (پنهان) خواهیم پرداخت. در تحلیل محتوای کمی، پژوهشگر به مقوله‌هایی که فقط به



نمادها (علائم آشکار) و ترکیب‌های نمادی اشاره دارد توجه می‌کند و آنها را برمی‌گزیند؛ اما در تحلیل محتوای کیفی به خصوصیات دیگری غیر از نمادها نیز توجه می‌شود (باردن، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱). در این مرحله، محورهای دوم و سوم مطالعه تاریخ انگاره یعنی احتمال القا حقیقت در تاریخ، و پیامدسنجی و برداشت‌ها در دستور کار قرار خواهد گرفت. طبق این دسته‌بندی کیفی و کمی، تحلیل محتوای به‌دست آمده طبق جدول زیر انجام خواهد شد:

جدول شماره (۱): گام‌های پنج‌گانه تحلیل محتوای کیفی و کمی

مرحله	گام‌های پنج‌گانه تحلیل محتوای کیفی و کمی
اول	تجمع همه داده‌ها بر اساس موضوع تعیین شده، به تفکیک عنوان (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و ...) به مانند عوامل محتمل اثر گذار
دوم	ترسیم روند وضع و تغییر موضوع تعیین شده، در مواجهه با شرایط اثر گذارنده
سوم	ثبت پرسش‌های به‌وجود آمده در هر مرحله با هدف کشف لایه‌های پنهان علل و عوامل اثر گذارنده
چهارم	کشف ارتباط بین علل و عوامل اثر گذارنده بر روند موضوع
پنجم	مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق

مرحله اول: تجمع داده‌ها

تجمع داده‌ها باید در قالب جمع‌آوری متن‌های مرتبط با موضوع باشد. اگر موضوع ما «انتظار پویا و زمینه‌ساز» باشد، همه متن‌های مرتبط با قید عنوان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ... دسته‌بندی و آدرس آن قید می‌شود. نمونه‌ای از تجمع در جدول زیر نشان داده می‌شود:

جدول شماره (۲): روش تجميع داده‌ها

عنوان	منبع	داده‌ها	انتظار پويا و زمينه‌ساز
سياسي	(مفيد، ۱۳۷۱، ص ۱۳)	«بر او واجب است که مخفی شود تا آنجا که يقين کند ياران و انصارش مهيا و مجتمع شده‌اند و مصلحت عمومي در ظهور او با شمشير است و بدانند که می‌تواند حدود را اقامه کند و احکام را اجرا نماید.»	
اجتماعي	بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۲/۲۲	«ما که منتظر امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم.»	
فرهنگي	(امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۵)	«انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت <small>عجل الله فرجه</small> است.»	
ديني	(ابن مشهدي، ۱۳۷۷، ص ۱۰۷)	«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَ أَوْسِعْ مَنَهَجَهُ»	

مرحله دوم: ترسیم روند وضع و تغییر موضوع

آنچه در این مرحله صورت می‌پذیرد، تنظیم داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس منشأ وضع و پیدایش است که به ترتیب تاریخی تدوین می‌شود. نمونه‌ای از ترسیم روند تکاملی موضوع انتظار پویا و زمینه‌ساز در جدول زیر نمایش داده می‌شود:



۱۰۵

نظر

روش‌شناسی مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت

جدول شماره (۳): ترسیم روند وضع و تغییر موضوع

وضعیت	تاریخ	داده‌ها	r
پیدایش اندیشه / اجتماعی	۴۰۰ هـ ق	شیخ مفید: «بر او واجب است که مخفی شود تا آنجا که یقین کند یاران و انصارش مهیا و مجتمع شده‌اند و مصلحت عمومی در ظهور او با شمشیر است و بدانند که می‌تواند حدود را اقامه کند و احکام را اجرا نماید» (مفید، ۱۳۷۱ «ب»، ص ۱۳).	۱
تغییر اندیشه / فردی	۴۳۰ هـ ق	شیخ طوسی: «اگر امام <small>علیه السلام</small> برای کسی ظاهر نشود، آن شخص بی‌شک خواهد دانست که علت این امر به عمل او برمی‌گردد» (طوسی، ۱۳۶۹، ص ۹۹).	۲
تغییر اندیشه / فردی	۶۰۰ هـ ق	خواجه نصیرالدین طوسی: «وجود امام لطف است و غیبت او لطفی دیگر است و غیبت او از جانب ما می‌باشد» (خواجه طوسی، ۱۳۶۵، ص ۲۲۱).	۳
تغییر اندیشه / فردی	۶۵۰ هـ ق	سید ابن طاووس: «بعید نیست روایت پرچم‌دار پیش از ظهور اشاره به من باشد» (ابن طاووس، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۱۶).	۴
تغییر اندیشه / سیاسی	۱۱۰۰ هـ ق	علامه مجلسی: «بعید نیست که این روایت، اشاره به صفویان باشد که خداوند پایه‌های آن را محکم کند و آن را به دولت قائم <small>علیه السلام</small> وصل کند» (مجلسی، ۱۳۶۱، ج ۵۲، ص ۲۴۳).	۵
تغییر اندیشه / سیاسی	۱۳۶۰	امام خمینی <small>علیه السلام</small> : «ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک کنیم. کار را همچو بکنیم که عالم برای آمدن حضرت <small>علیه السلام</small> مهیا بشود» (امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۲۱، ص ۱۷).	۶

انتظار پویا و زمینه ساز



۱۰۶

نظر

سال بیست و نهم، شماره اول (پیاپی ۱۱۳)، بهار ۱۴۰۳

تغییر اندیشه / سیاسی	۱۳۶۶	«فارغ از اینکه انتظار فرج و گشایش نهایی بشریت چه فواید عظیمی برای انسان دارد، نفس باورمندی به اینکه روزی بشر از ظلم نجات خواهد یافت و حاکمیت زر، زور و تزویر برچیده خواهد شد و بشر به اوج اعتلای انسانی خواهد رسید، برای انسان دارای آثار ارزنده‌ای است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای بنیاد فرهنگی امام زمان (عج)).	۷
-------------------------	------	--	---

مرحله سوم: ثبت پرسش‌ها

در این مرحله، پرسش‌های به وجود آمده در هر مرحله با هدف کشف لایه‌های پنهان علل و عوامل اثرگذارنده ثبت می‌شود تا در صورت ناقص بودن داده‌ها، پاسخ‌های یافته شده جبران کننده باشند. برخی از پرسش‌ها که به روش مفهومی طراحی شده‌اند عبارت‌اند از:

- آیا مقوله انتظار پویا و زمینه‌ساز مبتنی بر قول معصوم (علیه السلام) پدیدار شده است؟
- آیا می‌توان به مقوله انتظار پویا و زمینه‌ساز به چشم مصلحت وضعی از جانب علما برای کنترل مسلمانان نگریست؟
- آیا مقوله انتظار پویا و زمینه‌ساز یک واکنش برابر ظلم و جور حاکمان است؟
- زمینه و گفتمان حاکم بر انتظار پویا و زمینه‌ساز چیست؟
- باور به انتظار پویا و زمینه‌ساز از چه جریان و اندیشه‌هایی اشراق شده است؟
- مفاهیم اصلی تشکیل دهنده باور به انتظار پویا و زمینه‌ساز چیست؟
- آیا روند باورمندان به انتظار پویا و زمینه‌ساز به سوی یک حالت پایدار است؟
- آیا رویکردی که بر پایه آن این روند ایجاد شده است، پایه منطقی دارد؟
- آیا رویکردی که این روند بر اثر آن حادث شده و استقرار یافته است، به همه اهداف خود دست یافته است؟
- آیا رویکردی که این روند بر اثر آن حادث شده و استقرار یافته است، نظام‌مند است؟





مرحله چهارم: کشف ارتباط بین علل و عوامل اثرگذارنده بر روند موضوع

کشف ارتباط به علل اثرگذارنده بر روند موضوع اساساً یک فرایند پژوهشی است که به تحلیل علی شناخته می‌شود. این فرایند در علوم اجتماعی و دیگر حوزه‌های علمی کاربرد ویژه‌ای دارد که به مراحل آن اشاره می‌شود:

الف. تعریف دقیق موضوع و مناسبت‌های آن: ابتدا باید موضوع مورد

بررسی و مناسبت‌های آن به صورت دقیق تعریف شود که دربردارنده تعیین محدوده زمانی، مکانی و متغیرهای مورد نظر است.

ب. تعیین علل و عوامل: شناختن علل و عوامل مختلفی که ممکن است بر

موضوع مورد نظر تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم و تأثیر آشکار یا پنهان داشته باشد. این موضوع می‌تواند دربردارنده عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روانشناختی، زیستی و ... باشد که تماماً دربرگیرنده مقوله قدرت هستند.

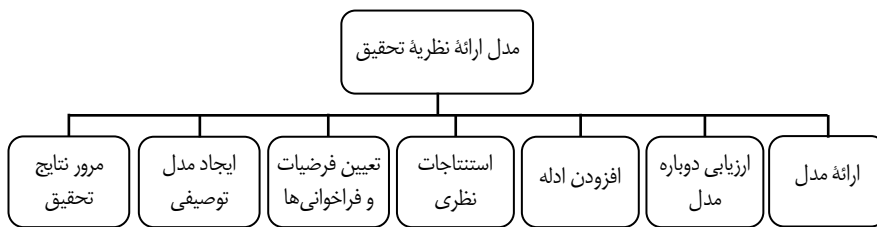
ج. تفسیر نتایج: نتایج به دست آمده باید به طور دقیق تفسیر شوند تا امکان

اثرگذاری علل و عوامل مختلف بر یکدیگر و نهایتاً چگونگی تأثیر علل بر روند موضوع بررسی شود.

مرحله پنجم: مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق

برای مدل‌سازی بر اساس نتایج تحقیقات و ارائه یک نظریه می‌توان از روش زیر استفاده کرد:

۱. مرور نتایج تحقیقات؛ ۲. ایجاد یک مدل توصیفی (این مدل باید امکان توصیف صحیح نتایج تحقیقات را فراهم کند)؛ ۳. تعیین فرضیه‌ها و فراخوانی‌ها (با توجه به نتایج تحقیقات، فرضیه‌ها و فراخوانی‌های مرتبط با مدل توصیفی شناسایی می‌شود)؛ ۴. استنتاج‌های نظری (بر اساس مدل توصیفی و فرضیه‌های تعیین شده، استنتاج‌های نظری ارائه می‌شود که از جمله می‌تواند توضیح‌دهنده روابط علی بین عوامل مختلف شود)؛ ۵. افزودن ادله بیشتر؛ ۶. ارزیابی دوباره مدل؛ ۷. ارائه مدل (رزاقی، ۱۳۸۱، ص ۴۳).



۳. پیامدسنجی

پس از گذراندن مراحل مربوط به تحلیل محتوا و کشف علل و عوامل مؤثر بر تغییر یا تفسیر مفاهیم یک موضوع، اکنون نوبت به تولیدها و پیامدهای دانشی و فرهنگی آن می‌رسد که شاید مهم‌ترین بخش از فرایند مطالعات تاریخ‌نگاره باشد؛ برای مثال، اگر باور به مقوله «انتظار پویا و زمینه‌ساز» به مثابه موضوع فرعی، ذیل موضوع اصلی انتظار مورد بررسی قرار گرفته باشد، اثر به وجود آمده در دو جهت متفاوت بررسی می‌شود: ۱. تولید دانش سیاسی و فرهنگی در راستای تقویت دینداری مردم؛ ۲. تولید اندیشه دیگر در تقابل با فهم رایج با عنوان جریان‌ها و فرقه‌ها. طبق این فرایند، وضعیت‌سنجی باورهای مهدویت در قالب مطالعه تاریخ‌نگاره قرار گرفته است و منشأ و عوامل جهت‌دهنده و تولیدهای مثبت و منفی اندیشه تبیین خواهد شد.

نتیجه‌گیری

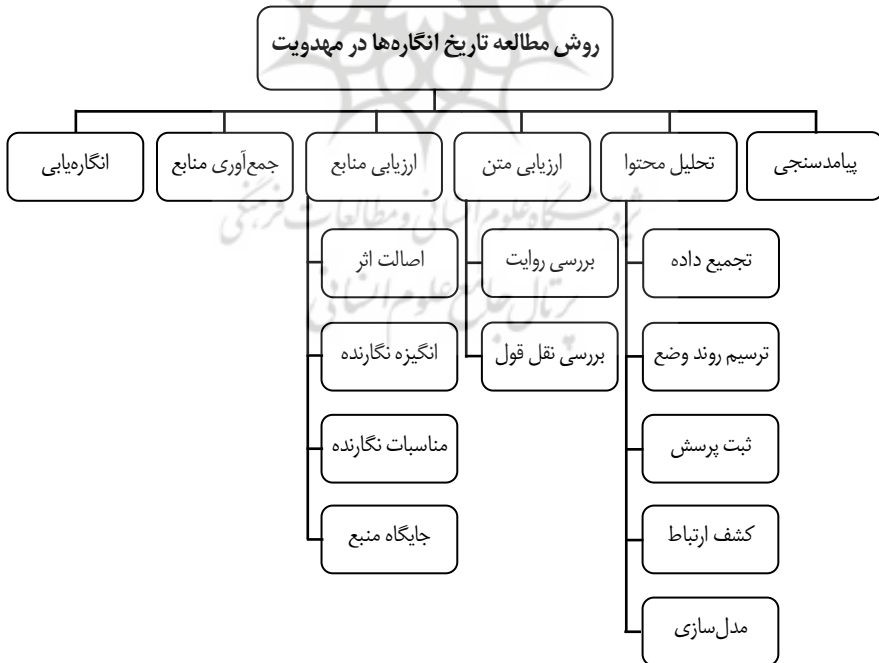
مهدویت مانند هر اندیشه‌ای دارای تاریخ است و از این رو توانایی مطالعه دارد؛ اما در این میان، با انگاره‌ها و سخنان ناتمامی مواجه هستیم که افزون بر جداسازی آنها از اندیشه‌های قطعی اسلام در مهدویت، تاریخ‌نگاره‌ها نیز مورد مطالعه قرار گرفته است و می‌توان مبدأ پیدایش و عوامل اثرگذار بر پیدایش و پیامدهای این نگاره را مورد بررسی قرار داد. انگاره‌ها همانند اندیشه‌های قطعی از معارف و عوامل فرهنگی و تاریخی پیرامونی خود بیگانه و گسسته نیستند و البته در پاره‌ای از موارد، در تعامل با امور معیشتی مردم نیز شکل یافته و دست‌های پنهان وضع و مدیریت آن را به عهده داشته‌اند





که مشابه این را در اغراض سیاسی نیز مشاهده می‌کنیم که شاید مستقیم‌ترین ارتباط را با پیدایش انگاره‌ها در مهدویت دارد. گاهی نسبت انگاره‌ها با امور معیشتی، سیاسی و فرهنگی مردم به صورت یک چالش آشکار نمایان نمی‌شود؛ اما هنگام تعارض با برخی مواضع حیاتی، چالش‌های اجتماعی خود را نشان می‌دهد، مانند «انگاره انتظار غیرپویا» که در تعارض با دفاع از میهن و حرکت به سوی پیشرفت و آبادانی، به یک چالش مهم تبدیل می‌شود.

با استفاده از روش مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت، افزون بر فهم منشأ و اغراض پدیدآوردگان، با پیامدهایی آشنا می‌شویم که امکان مدیریت چالش‌های احتمالی و اجتماعی را برای ما میسر خواهد کرد. طبق روش مطالعه تاریخ انگاره‌ها، همه گزاره‌های موجود در مهدویت مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا تأثیرافتگی از شرایط و نیروی اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. روش مورد استفاده در مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت طبق نمودار زیر انجام شده است:



هدف این مقاله، معرفی روشی برای مطالعه دقیق تاریخ انگاره‌ها در مهدویت به محققان و مواجهه‌کنندگان عرصه مهدویت است و چگونگی مطالعه تاریخ انگاره در مهدویت، پرسش اصلی این نوشتار است که دستیابی به پاسخ آن، پشتوانه تحقق هدف مورد نظر را تأمین خواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نظر
صدر

روش‌شناسی مطالعه تاریخ انگاره‌ها در مهدویت

فهرست منابع

✽ قرآن کریم.

- ابن طاووس. علی بن موسی. (۱۳۶۷). إقبال الأعمال (ج ۳). قم: دار الکتب الإسلامیه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۳۶۷). أحادیث المهدي (ع) من مسند أحمد بن حنبل (ج ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۳۷۷). المزار الكبير. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۹). صحیفه نور. تهران: نشر آثار.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۸۰). صحیفه امام خمینی (ج ۲۱). تهران: نشر آثار.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۵). تحلیل محتوا (مترجم: محمد یمنی دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خواجه طوسی، نصیر الدین. (۱۳۶۵). تجرید الاعتقاد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۵). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- رزاقی، افشین. (۱۳۸۱). نظریه های ارتباطات اجتماعی. تهران: پیکان.
- سلیمیان، خدامراد. (۱۳۹۷). بررسی و نقد روایت «للمهدی یوطئون». فصلنامه انتظار موعود، ۱۱۸ (۶۰) صص ۲۳-۴۲.
- صلیبا، جمیل؛ صانعی دره بیدی، منوچهر. (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی. تهران: انتشارات حکمت.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام (ج ۶). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۶۹). الغیبة. قم: دار المعارف الإسلامیه.
- عزتی، مرتضی. (۱۳۷۶). روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- قاسم نژاد، زهرا؛ نصیری، روح الله. (۱۳۹۹). بازخوانی معنای «تَحْسُس» و «تَجَسُّس» در قرآن کریم. دوفصلنامه پژوهش های تفسیر و زبان قرآن، ۱۶ (۲). صص ۱۱-۲۸.

doi: 10.30473/quran.2020.6998

قزوینی، محمد. (۱۳۸۴). المدخل الى علم الرجال و الدراية. قم: حضرت وليعصر عليه السلام.
كركى، على بن الحسين. (۱۳۷۲). جامع المقاصد (ج ۲). قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث.
كشى، محمد بن عمر. (۱۳۶۷). رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال. مشهد: نشر دانشگاه مشهد.
كلينى، محمد بن يعقوب. (۱۳۶۵). الكافي (مترجم: على اكبر غفارى، ج ۱). تهران: دارالكتب
الإسلامية.

كيوى، ريمون؛ كامپنهود، لوك. (۱۳۸۱). روش تحقيق در علوم اجتماعى (مترجم: نيك گهر).
تهران: توتيا.

مجلسى، محمد باقر. (۱۳۶۱). بحار الأنوار (ج ۵۲). بيروت: دار إحياء التراث العربى.
مفيد، محمد بن محمد. (۱۳۷۱ «الف»). تصحيح اعتقادات الإمامية. قم: المؤتمر العالمى للشيخ
المفيد.

مفيد، محمد بن محمد. (۱۳۷۱ «ب»). الرسالة الرابعة في الغيبة. قم: المؤتمر العالمى لألفية الشيخ
المفيد.

هاشمى خراسانى. منصور. (۱۳۹۷). هندسة عدالت. بى جا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



References

* The Holy Quran.

Ibn Ṭāwūs, 'A. (1367 AP). *Iqbāl al-a'māl* (vol. 3). Qom: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [In Arabic]

Ibn Ḥanbal, A. (1367 AP). *Aḥādīth al-Mahdī min musnad Aḥmad b. Ḥanbal* (vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]

Ibn Mashhadī, M. (1377 AP). *Al-Mazār al-kabīr*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]

Imam Khomeini, R. (1379 AP). *Ṣaḥīfih-yi nūr*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

Imam Khomeini, R. (1379 AP). *Ṣaḥīfih-yi nūr* (vol. 21). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

Barden, L. (1375 AP). *Content analysis* (M. Yamani Doozi Sorkhabi and M. Ashtiani). Tehran: Shahid Beheshti University. [In Persian]

Khawāja Ṭūsī, N. (1365 Sh). *Tajrīd al-i'tiqād*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]

Dehkhoda, A. A. (1385 AP). *Dehkhoda dictionary*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]

Razzaghi, A. (1381 AP). *Theories of social communication*. Tehran: Peykan. [In Persian]

Soleimaniyan, K. (1397 AP). Examination and critique of the hadith "preparing for al-Mahdī." *Intizār maw'ūd*, 18(60), pp. 23-42. [In Persian]

Saliba, J.; Sanei Darrebidi, M. (1366 AP). *Philosophical dictionary*. Tehran: Hekmat. [In Persian]

Ṭūsī, M. (1365 AP). *Tahdhīb al-aḥkām* (vol. 6). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [In Arabic]

Ṭūsī, M. (1369 AP). *Al-Ghayba*. Qom: Dār al-Ma'ārif al-Islāmiyya. [In Arabic]

Ezzati, M. (1376 AP). *Research method in social sciences*. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian]



- Ghasemnejad, Z.; Nasiri, R. (1399 AP). Revisiting the meaning of “taḥassus” and “tajassus” in the holy Quran. *Exegetical research and the language of the Quran*, 16(2), pp. 11-28. DOI: 10.30473/quran.2020.6998 [In Persian]
- Qazwīnī, M. (1384 AP). *Al-Madkhal ilā ‘ilm al-rijāl wa-l-dirāya*. Qom: Hazrat-e Valiasr. [In Arabic]
- Karakī, ‘A. (1372 AP). *Jāmi‘ al-maqāṣid* (vol. 2). Qom: Al Al-Bayt Institute for the Revival of the Heritage. [In Arabic]
- Kashshi, M. (1376 AH). *Rijāl al-Kashshī, ikhtiyār ma‘rifat al-rijāl*. Mashhad: University of Mashhad. [In Arabic]
- Kulaynī, M. (1365 AH). *Al-Kāfī* (A.A. Ghaffari, trans., vol. 1). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [In Arabic]
- Quivy, R.; Campenhoudt, L. (1381 AP). *Research method of social sciences* (A. Nikgozar, trans.). Tehran, Tootia. [In Persian]
- Majlisī, M. B. (1361 AP). *Biḥār al-anwār* (vol. 52). Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. [In Arabic]
- Mufīd, M. (1371a AP). *Taṣḥīḥ ‘itiqādāt al-Imāmiyya*. Qom: Shaykh Mufid World Conference. [In Arabic]
- Mufīd, M. (1371a AP). *Al-Riṣālat al-rābi‘a fī al-ghayba*. Qom: Shaykh Mufid World Conference. [In Arabic]
- Hashemi Khorasani, M. (1397 AP). *Geometry of justice*. N.p. [In Persian]

